

یادداشت

درنگی دربرده‌های نمایشگاهی ایرج اسکندری

حکایت رنگین شیرین

هادی راشد

● نقاشی‌های ایرج اسکندری در نمایشگاه «حکایت شیرین»، برابند روبه‌روشدن با یکی از بیش‌پرافتاده‌ترین و هم آن‌گاه، ژرف‌ترین نمود کار هنری است: نقاشی‌کردن؛ برای روشن‌کردن این ویژگی، بهتر است نخست به شیوه‌های کاربردی حکایت در زبان فارسی بپردازیم و درون‌مایه‌های چگنده آن را بازشناسیم. این درون‌مایه‌ها، شیوه کار نقاشی را آشکار می‌کند. نقاشی‌کردن، همواره بازسته حکایت است. گاه حکایت بازگفتن از چیزی، آوردن سخن دیگری یا گزارش رخ‌داده‌ای است؛ نشان‌دادن و بازنمایی دیداری است، مانند آنچه، چنان‌که آب حکایت کند ز اختر و ماه (جلال‌الدین محمد بلخی)، ما این شیوه نقاشی‌کردن را به خوبی می‌شناسیم. گاه حکایت همچنان‌که ارسطو بازگفته است، ماندگی و محاکات است، مانستن و همانندی‌جستن در کردار یا گونه‌ای روپرداری و نمایش همنان؛ و باز حکایت، افسانه است و افسون‌ که گاه به سرشتگی راه می‌برد، سرانداران همی آبی ز راه سینه در دیده/ فسون گرم می‌خوانی، حکایت‌های شوریده (ج. م. بلخی)؛ و دیگرگاه حکایت، نقش و نشانه است، بر لوح دلم نقش خیال تو کشیدند/ روزی که نبود از قلم و لوح حکایت (عمادالدین نسیمی)؛ و سرانجام شاید، حکایت نه بازگفت چیزی یا گزارش رخ‌داده‌ای که با گسترش بی‌پایان درون‌مایه‌ها، رویکردها و تکرش‌ها روبه‌رویم؛ بگوی از آب لب شیرین، حکایتی شیرین (سعدی). شیوه‌های کاربردی زبان - زبان گفتاری و زبان هنری - همواره جایی باز می‌کند تا واژه و نشانه از جایگاه آغازین به جایگاه‌های پسین بلغزد و همین ویژگی باز زبان، ما را به تکرشی‌گردسان بر پرده‌های نقاشی بومی انگیزد. چه‌سپاس بیننده در نگاه نخست، گمان برد پرده‌های نقاشی حکایت شیرین، تنها بازگفت و گزارش رخ‌داده و داستانی است. شاید حکایت‌پردازی در آغاز انگیزه رنگین‌کردن پرده‌ها بوده باشد، اما نباید این نقاشی‌ها را گزارش و بازگفت داستانی پنداشت که فرخ نیست گفتن گفته را باز (نظمی) و نیز نمی‌توان آنها را به بازنمایی دیداری بیرنگ‌ها و نمادهای داستانی فروکاست. اگر در حکایت هم‌چون همانندی‌جستن در کردار درنگ کنیم، این درون‌مایه می‌تواند ما را به تکرش تازه‌ای بر پرده‌های نقاشی رهنمون شود. از نگاه ارسطو، همانندی در پرتو ابزارها، درون‌مایه‌ها و شیوه‌ها پدید می‌آید؛ یکی از شیوه‌های همانندی‌جستن، بازآفرینی هم‌هنگام رخداد است، چنان‌که، آنچه در گذشته رخ داده است، گویی هم‌اینک در شتاب رخداد می‌گذرد. به سخن دیگر، همانندی‌جستن همواره نیازمند کثارتی از گذشته به اکنون، از آن به این و از دیگری به خود است. ارسطو به‌ویژه این شیوه همانندی‌جستن را آموزنده، پیراینده و اخلاقی می‌دانست. اگر این پرده‌ها تا نباید گزارش یا بازنمایی داستان انگاشت و حکایت در چم همانندی، به بنیاد بازآفرینی آنها رهنمون است، می‌توان پرسید این پرده‌ها در همانندی به چه کرداری پدید آمده‌اند؟ گفتیم یکی از شیوه‌های همانندی، بازآفرینی هم‌هنگام رخداد است، می‌توان رخداد بازآفرینی را با این شیوه همانندی، مستجید، نمایش هم‌هنگام کارِ نقاشی مانند رخداد، به‌گونه‌ای از حکایت راه می‌برد. در اینجا، نمایش درون‌مایه رخداد است، نمایش نقاشی‌کردن چونان بازآفرینی. با گذر از حکایت چونان گزارش یا بازنمایی بیرنگ‌های داستانی، چه چیز برای همانندی‌جستن بازمی‌ماند؟ یکی دیگر از کاربردهای حکایت در زبان فارسی، افسانه و افسون‌ است. می‌دانیم داستان خسرو و شیرین، بازگفت افسون عشق است: اگر خود عشق هیچ افسون نداند؛ نه از سودای خویشات وارهاند؟ (نظمی)؛ اما آنچه بر پرده می‌بینیم، بازمایی افسانه و افسون نیز نیست. از سوی دیگر، آن‌گاه که از حکایت، چونان نقش و نشانه سخن می‌گوییم، باز هم به چیزی یا رخدادی در گذشته نشانی داده‌ایم، گویی پرده‌ها، همانندی یا رخدادی در گذشته را بازنمایی می‌کنند. نظامی در دیباجه داستان خسرو و شیرین، پنجره تازه‌ای به‌کاربرد حکایت وامی‌گشاید که از روزنه آن می‌توان به گونه دیگری بر پرده‌های حکایت شیرین نگریست: «حکیمی کلین حکایت شرح کرده است/ حدیث عشق از ایشان طرح کرده است». تازگی کاربرد حکایت نزد نظامی از آن‌روست که او، عشق را درون‌مایه و بیرنگ داستان نمی‌داند. در اینجا، طرح‌کردن به چم بازگفتن، بی‌افکندن، چهره‌پرداختن، چنین بازمی‌گوید که جان‌مایه داستان خسرو و شیرین، فرای هر بیرنگ و درون‌مایه‌ای، عشق است. همچنان که سراینده داستان، رانه آغازین و نامه فرجامین کار خود را عشق می‌خواند: «مرا کسز عشق به ناید شعاری/ مبادا تا رزم جز عشق کاری/ فلک جز عشق محرابی ندارد/ جهان بی‌خاک عشق، آبی ندارد/ ز سوز عشق بهتر در جهان چیست/ که بی‌او گل نخندید، ابر نگریست/ چو من بی‌عشق خود را جان ندیدم/ دلش بغروختم، جانی خریدم». نظامی با کاربرد حکایت چونان عشق، چراغی در برابر خاموشی و مرگ برمی‌افروزد و داستان را به عشق می‌پردازد، کمر بستم به عشق این داستان را (نظمی).

ادامه در صفحه ۱۴



فرانک آرتا

به تازگی نمایشگاهی از آثار «ایرج اسکندری»، نقاش شناخته‌شده و استاد دانشگاه، در گالری «ساربان» برپا شد. ایرج اسکندری یکی از نقاشان شاخص «نقاشی دیواری» است که اوایل انقلاب اسلامی، هنرمندان انقلابی برای انتقال مفاهیم انقلاب در جهت تنویر افکار تسوده مردم از آن بهره بردند. هرچند که چنین کارهایی در آثار هنرمندان مهمی مانند «دیه‌گو ریورا» یکی مکزیک که پیش‌تاز نقاشی دیواری بود، دیده می‌شود. تکرش اسکندری همگام با وقایع اجتماعی- سیاسی جامعه ایران در آثارش انعکاس پیدا کرد. ضمن اینکه هرچه ذهنیت او نسبت به «هنر مدرن» دقیق‌تر شد، از آثار فیکوراتیو- رئالیستی فاصله گرفت. به همین دلیل آثارش تا امروز در میانه انتزاع و فیکور در نوسانند، اما او هم با تغییرات جامعه به کشف و شهود رسید و سعی کرد این تغییرات از بیرون به درون نمود عینی پیدا کند؛ به‌طورمثال آشنایی‌اش با هنر ایرانی مانند مینیاتوره‌ای استاد بهزاد سعی کرد هنر مدرن را با هنر گران قدر ایرانی پیوند بزند. نمایشگاه «حکایت شیرین» حاصل چنین نگاهی است. در برخی از آثارش، نقاش مانند فرهاد کوه‌کن، به عشق شیرین (حقیقت) ججاری کرده و کارهایی را با مفهوم عشق، طبیعت و ... پیش‌روی دیدگان مخاطبان قرار داده است. برخی آثار هم به‌غایت انتزاعی هستند. به مناسبت این نمایشگاه با او گفت‌وگویی انجام دادیم که می‌خوانید.

❧ با نگاه اجمالی به سیر تحول و تطور کارهایتان که از نقاشی‌های دیواری اول انقلاب شروع کردید و در ادامه، مبانی و ارزش‌های انقلابی را در قالب آثار فیکوراتیو به نمایش گذاشتید. کم‌کم به تفرق رسیدید و نوعی از آن آثار انتزاعی رسمی محتوایی فاصله گرفته‌اید. در این سال‌ها چطور شد که به این موقعیت رسیدید؟

ابتدای انقلاب مصادف شد با فارغ‌التحصیلی و در حقیقت شروع کار حرفه‌ای‌ام. جنگ ایران و عراق هم کلید خورد. مقوله انقلاب و جنگ هم مثل جریان خوششان روزخانه‌ای است که مجال فکرکردن به هیچ‌کس نمی‌دهد. هشت سال جنگ در شروع یک تحول اجتماعی بزرگ و مقابله با دشمنی که به سرزمین ما حمله کرده برای احاد مردم در اولویت بود. عقل و احساس حکم می‌کرد به هر نحوی که می‌توان همکاری کرد. سال ۱۳۶۱ به قصد حضور در جبهه به سربازی رفتم. در ارتش، هنر من به کار گرفته شد. کارهای تبلیغاتی از قبیل طراحی پوستر و تراکت را انجام می‌دادیم. اولین دیوار را در خیابان انقلاب با موضوع جنگ به اتفاق دوست عزیزم آقای جمشید حقیقت‌شناس که آن‌موقع خدمت سربازی می‌کرد انجام دادیم. سربازی که تمام شد، سال ۱۳۶۴ وارد حوزه هنری شدم. این قضیه؛ یعنی کار نقاشی و نقاشی دیواری با محوریت جنگ ادامه پیدا کرد. در آن زمانه یک دیوار دیگر را در خیابان انقلاب و دیواری دیگر را در میدان فلسطین با موضوع جنگ اجرا کردم. در همین سال‌ها، یعنی دهه اول انقلاب حدود ۸۰ تابلو را برای حوزه هنری کار کردم که همگی به انقلاب و جنگ مربوط می‌شدند. دهه اول که سپری شد، مثل کسی که دزدی را از خانه بیرون کرده، در را بستم و نشستم پشت سه‌پایه و کار خودم را شروع کردم. در حقیقت انقلاب و جنگ در حدود ۱۰ سال نگذاشت ما به خود بپردازیم. تغییرات تکنیکی و موضوعی در کارهای من از همان سال‌های پس از جنگ شروع شد. یک نمایشگاه در سال ۱۳۷۲ با عنوان «پنجره‌ها» که کاملاً انتزاعی بود در گالری آریا داشتم و پس از آن نیز نمایشگاه‌های دیگر که در هرکدام جست‌وجوهایی را داشتم.

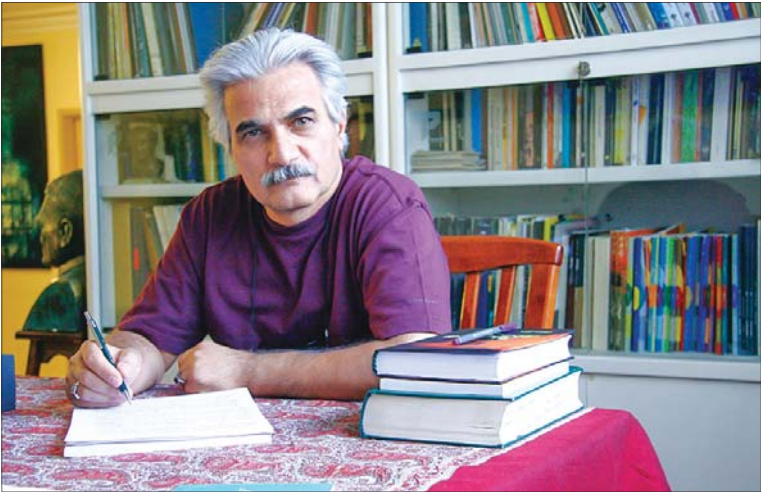
❧ اگر دوره‌های مختلف کاری‌تان را بررسی کنیم، می‌بینیم که جدا از موضوع‌های موردنظران که درونی‌تر و عاشقانه‌تر می‌شود، از نظر تکنیکی و در حیطه فرم وارد ابعاد و فضایی شده‌اید که به نوعی به سبک شخصی شما منحصر شده است.

درباره این مسیر بگویید!

شیوه کار نقاش به رفتار، اخلاق و خصلت‌های او بستگی دارد. با تحلیل کار نقاش می‌توانید احوال او را دریابید. وقتی شیوه یک نقاش در نگاه مخاطب تثبیت می‌شود، در حقیقت او خود را تثبیت کرده و کروه هنر: برناردو برتولوچی، کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس ایتالیایی که برای فیلم «آخرین امپراتور» برنده اسکار بهترین کارگردانی و فیلم‌نامه اقتباسی شد، در رم از دنیا رفت. او ۷۷ساله بود. برتولوچی که متولد ۱۹۴۱ در پارما بود، برای فیلم‌های «دنباله‌رو» و «آخرین تانگو در پاریس» هم نامزد اسکار شد و فیلم‌هایی همچون «استراتژی عنکبوت»، «آسمان سرپناه»، «بودای کوچک» و «خیالبافا» را نیز در کارنامه داشت. فیلم زندگی‌نامه‌ای «آخرین امپراتور» درباره پو، پ، امپراتور سابق چین، در ۱۹۸۸ در مجموع برنده ۹

گفت‌وگو با ایرج اسکندری، به بهانه برگزاری نمایشگاه نقاشی در گالری «ساربان»

هنرمند هم متعهد است هم انقلابی



است. با مرور کار نقاشان می‌شود تاریخ را رقم زد، شرایط اجتماعی را دریافت و زمانه را تحلیل کرد. در دوره‌ای احساس خفقان می‌کردم «پنجره‌ها» را کار کردم. در دوره‌ای دیگر «سنگ‌های سرد و سخت». «شروه‌های کاشمر» هم در زمانه ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ شکل گرفت. مجموعه «زُروان» هم در سال ۱۳۸۸ اجرا شد. نمایشگاه حاضر که «روایت شیرین» نام گرفته نیز حاصل تلخی‌ها و شیرینی‌های پنج سال اخیرم است.

❧ به نظر بد نیست کمی درباره گذشته صحبت کنیم. «هنر انقلاب» در سال ۱۳۵۸ برای نمایشگاه گروهی از هنرمندان در حسینیه ارشاد شکل گرفت. بد نیست به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب انگیزه‌های آن روزها را مرور کنیم. باین‌حال چرا به‌مرور هنرمندان انقلاب از یکدیگر فاصله گرفتند؟ به نظر شما دلیل آن چیست ؟

یک ماه پس از انقلاب و دقیقاً از ابتدای سال ۵۸ برای ادامه تحصیلی به فرانسه رفتم. نمایشگاه «حسینیه ارشاد» در فاصله‌ای که من در ایران نبودم، شکل گرفت. این نمایشگاه با همت دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا و حضور کثیری از هنرمندان دیگر شکل گرفت و آن‌طور که شنیدم، پس از حسینیه ارشاد به شهرستان‌های دیگر نیز برده شد و در آنجا به نمایش درآمد. نمایشگاه بزرگ دیگری نیز در اردیبهشت ۱۳۵۸ در محل معاصر تهران

با عنوان «هنر انقلاب» برگزار شد. این نمایشگاه با کیوریتوری سه نفر از جمله مرحوم مرتضی ممیز، زنده‌باد پرویز کلانتری و منوچهر صفرزاده برگزار شد که گفته می‌شود مدبر اجرایی آن «یعقوب امدادیان» بوده. من در این زمان در ایران نبودم و خیلی از چندوقون آن آگاه نیستم. فقط شنیدم در این نمایشگاه کارهای نیکزاد نجومی به دلایلی از دیوار برداشته شد! حضور هنرمندانی مانند هانیبال الخاص و شاگردان ایشان در این نمایشگاه چشمگیر بوده است. با توجه به اینکه سردمداران نمایشگاه حسینیه ارشاد در آن زمان به این فکر بودند که سبک شخصی را برای حوزه هنری کار کردم که همگی به انقلاب و جنگ مربوط می‌شدند. دهه اول که سپری شد، مثل کسی که دزدی را از خانه بیرون کرده، در را بستم و نشستم پشت سه‌پایه و کار خودم را شروع کردم. در حقیقت انقلاب و جنگ در حدود ۱۰ سال نگذاشت ما به خود بپردازیم. تغییرات تکنیکی و موضوعی در کارهای من از همان سال‌های پس از جنگ شروع شد. یک نمایشگاه در سال ۱۳۷۲ با عنوان «پنجره‌ها» که کاملاً انتزاعی بود در گالری آریا داشتم و پس از آن نیز نمایشگاه‌های دیگر که در هرکدام جست‌وجوهایی را داشتم.

❧ خود شما در آن برهه به «هنر» چگونه نگاه می‌کردید؟

باید عرض کنم یک نفر که تازه فارغ‌التحصیل شده و آموزه‌های او همان مطالبی است که در دانشگاه آموخته، چه نظری می‌تواند درباره «هنر» داشته باشد؟ نظریه‌ها معمولاً پس از یک دور کار و تجربیات سال‌ها، قابل طرح است. به یک نکته اشاره کنم. تازه رفته بودم پاریس، هر روز از جلوی قدیمی‌ترین پل پاریس رد می‌شدم. این پل که نامش «پون نف» است، اولین پلی بوده که پاریس قدیم «کارتیه لاتن» را به بیرون شهر مرتبط می‌کرده آنجا دیدم که پل را با مقال به‌سبندی می‌کنند! دو نفر هم این کار را کارگردانی می‌کردند! فکر می‌کردم می‌خواهند پل را مرمت یا از آن حفاظت

❧ جالب این است که امروزه برخی از هنرمندان انقلاب، خود را خیلی هنرمند انقلاب نمی‌دانند. دراین‌باره چه نظری دارید؟

واژه هنر به‌تنهایی کامل است و همه‌چیز را

در بطن خود دارد. هنرمند هم متعهد است هم انقلابی. هر پیشوندی که با این واژه همراه می‌شود آن را متزلزل می‌کند. واژه هنرمند انقلاب نیز چنین است.

❧ اما خب برخی از هنرمندان در اوایل انقلاب خود را چنین می‌نامیدند!

بله همین‌طور است، اما واقعیت این است که عبارت «هنرمند انقلاب» متعلق به ادبیات مارکسیستی است. چند سال از انقلاب اکثیر می‌گذشت، لنین به‌واسطه مایاکوفسکی شاعر که سمتی در دولت او داشت هنرمندان را جمع و بیانیه‌ای صادر کرد که هنرمندان و نویسندگان باید در خدمت پرولتاریا و انقلاب باشند. جمعی از این هنرمندان که این دستورالعمل را برنمی‌تافتند از شوروی سابق خارج شدند و مدرسه «باهاوس» را در زوریخ بنیان گذاشتند و پس از آن فصل جدیدی در هنر اروپا و غرب آغاز شد و دنیا را متحول کرد. حال

آنهایی که ماندند چه اتفاقی ایجاد کردند؟

❧ خب درست است که امثال کاندینسکی تأثیرات ژرفی بر هنر غرب گذاشتند و اصلاً او بود که هنر انتزاعی را به وجود آورد... اما در ایران کمی وضعیت متفاوت است. بگذریم. آقای اسکندری مجموعه آثار نمایشگاه «حکایت شیرین» از کیفیت یک‌دستی برخوردار است، کمتر اتفاق افتاده که آثار یک نمایشگاه در سطح کیفی همسان قرار بگیرند. درباره این نمایشگاه بگویید.

نمایشگاه حاضر که با عنوان «حکایت شیرین» در گالری «ساربان» ارائه شده، شامل سه مجموعه است: مجموعه «پنجره‌ها» که در ادامه تجربیات دهه ۷۰ است که در گالری آریا داشتم، مجموعه «چهارفصل» و «ماه‌های سال» (منطقه البروج) که تجربه جدیدی است و همین‌طور مجموعه «خسرو و شیرین». از مواد مختلفی در اجرای آثار بهره برده‌ام و اینکه می‌بینید حاصل تجربیات چندین‌ساله است که با مواد مختلف داشتم.

❧ در آثار این نمایشگاه خبری از رنگ و تاش‌های قلم‌مو نیست، در عوض تابلوها به‌تکه‌ای سنگ حجاری‌شده و... می‌مانند. چگونه به این تکنیک رسیدید؟ جالب است در «حکایت شیرین» مانند فرهاد کوه‌کن عمل کرده‌اید!

در اجرا از تجربیات هنرمندان سنتی بهره برده‌ام. کار هنرمندان سنتی عموماً با ریاضت همراه است. کنده‌کاری روی گچ، حجاری روی سنگ، اجرکاری، طلاکاری و اینه‌کاری تکنیک‌های سنتی هستند که ردپایی از آن را در این آثار می‌توانید مشاهده کنید. استفاده از این تجربیات گران‌بها و تلفیق آن با آنچه از دنیای مدرن آموخته‌ام، برایم تازگی می‌آورد. وقتی شما در یک زمینه مشخص به آنچه خواسته‌اید دست یافته‌اید، زمان مناسب برای اینکه مسیر را تغییر دهید می‌رسد تا دنبال چیزی تازه بگردید. در این زمان من غالباً با رنگ‌های خاکستری و تهرنگ‌های خاموش کار می‌کنم، چوون حس می‌کنم در این زمان این کار برایم لازم است. طی‌کردن مسیرهای شناخته‌شده برایم جذابیت ندارد. باید همواره یک چشم تیز برای احساس و تازگی وجود داشته باشد. جست‌وجو، کار من است و در این راه هرگز دچار سرگردانی نشده‌ام. مشکل من این است که برای پیاده‌کردن آن چیزی که در سر دارم وقت کم می‌آورم.

❧ نظراتن درباره حراج تهران چیست؟

فروش آثار هنری از طریق حراج تهران تجربه جدیدی در عرصه اقتصاد است. توفیق آن به حمایت نیاز دارد. در قبل از انقلاب، دفتر مخصوص سعی داشت با خرید آثار هنری و ترغیب سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی از هنرمندان حمایت کند که تا اندازه‌ای موفق بود. خیلی از ادارات و بانک‌ها به‌واسطه دفتر مخصوص، آثار هنرمندان را می‌خریدند. «صناع بهشهر» یکی از مجموعه‌داران بزرگ هنری بود و همین‌طور بقیه سازمان‌ها. یادم است که تلویزیون ملی ایران مجموعه بزرگی از سهراب سپهری داشت. این خریدها بدون سفارش مقامات کشور انجام نمی‌شد. اگر مسئولان ما این مسئله را دریابند حراج تهران هم می‌تواند موفق شود. مسئله تخصیص درصدی از بودجه عمرانی وزارتخانه‌ها برای خرید آثار هنری می‌تواند کمی راهگشا باشد که متأسفانه درحال‌حاضر این مسئله در اولویت دولت و مجلس نیست و هیچ برنامه‌ای برای برون‌رفت از این شرایط نامساعد وجود ندارد!

❧ گروه هنر: متأسفانه نسخه‌ای از فیلم «همه می‌دانند» در فضای مجازی منتشر شده است. با توجه به آنکه هنوز فیلم در بسیاری از کشورها روی پرده نرفته و درحال‌حاضر نیز نمایش آن در بعضی از کشورها ادامه دارد، انتشار غیرقانونی این فیلم روند اکران آن را دچار آسیب خواهد کرد.

روابط‌عمومی فیلم «همه می‌دانند» در این زمینه درخواست کرده است: به همین خاطر انتشار و کپی این فیلم تا پیش از پایان اکران‌های سایر کشورها مورد رضایت تهیه‌کنندگان نیست، لازم به ذکر است موارد نقض کپی‌رایت مالکان اثر به صورت قانونی پیگیری خواهد شد.

برتولوچی در سال‌های اخیر پس از انجام چند عمل جراحی و مشکلات ناشی از گذر دیسک کمر به‌ناچار از صندلی چرخدار استفاده می‌کرد.

هنر

زیر درختان زیتون

مراسم نکوداشت جمشید مشایخی

در خانه هنرمندان ایران

● گروه هنر: مراسم نکوداشت جمشید مشایخی به مناسبت هشتادوچهارمین سالروز تولد این هنرمند سینما و تئاتر، سه‌شنبه، ششم آذر، در سینماک خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود و در این مراسم مسعود کیمیایی و بهمن فرمان‌آرا درباره این هنرمند پیش‌گسوت سخن می‌گویند. همچنین در این مراسم فیلم «بن‌بست وثوق» به نویسندگی و کارگردانی حمید کاویانی که جمشید مشایخی نیز در آن ایفای نقش کرده است، اکران می‌شود. این مراسم ساعت ۲۰ روز سه‌شنبه، ششم آذر، در سالن ناصری خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود و ورود برای عموم آزاد است.

برخورداری آذربایجان غربی از خدمات «صندوق اعتباری هنر»

● گروه هنر: در سفر مدیران صندوق اعتباری هنر به استان آذربایجان غربی، اهالی فرهنگ، هنر و رسانه این استان از خدمات بیمه تأمین اجتماعی، بیمه تکمیلی و تسهیلات رفاهی بهره‌مند شدند. هیئت اعزامی صندوق اعتباری هنر روز شنبه، سوم آذر، وارد شهر ارومیه شدند و با حضور در محل اداره کل ارشاد آذربایجان‌غربی با حجت‌الاسلام‌والمسلمین ناصر خدایاری، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان، دیدار و گفت‌وگو کردند. منصور وحیدی‌فر، معاون اعضای صندوق اعتباری هنر، در نشست با فعالان فرهنگی و هنری از تلاش‌های صورت‌گرفته در صندوق اعتباری هنر برای بررسی و رفع مشکلات اهالی فرهنگ، هنر و رسانه خبر داد و گفت: «سفرهای حمایتی در سال ۹۶ با شعار برخوردار ی عادلانه تمامی اعضا از خدمات صندوق آغاز شد. حضور در استان‌ها، شهرستان‌ها و نقاط روستایی و بررسی مشکلات موجود در دیدار چهره‌به‌چهره با هنرمندان در این مدت بسیار مؤثر بوده است». معاون اعضای صندوق اعتباری هنر بیان کرد: «استان آذربایجان‌غربی ظرفیت خوبی در زمینه‌های مختلف فرهنگی و هنری دارد. هزارو ۹۳۵ نفر از هنرمندان این استان عضو صندوق اعتباری هستند. ۶۴۴ نفر از خدمات بیمه تأمین اجتماعی و ۱۸۰ نفر از بیمه درمان تکمیلی برخوردار هستند. این مقدار ما درصدم هشتیم هنرمندان مستعد و گمنام شناسایی و توجه به امکانات صندوق از خدمات بهره‌مند شوند». توحید عبدلاهی، مدیر مالی صندوق اعتباری هنر، با ابراز خوشحالی از حضور در جمع هنرمندان استان آذربایجان‌غربی گفت: «ویکدر ما به سمت توانمندسازی هنرمندان ساکن در استان‌ها، خصوصاً مناطق محروم و کم‌برخوردار و حمایت از هنرمندان مستعد است. در این راستا در سفرهای حمایتی، هنرمندان واجد شرایط شناسایی و با توجه به ضوابط و مقررات از خدمات و تسهیلات صندوق اعتباری هنر بهره‌مند می‌شوند. براین‌اساس تاکنون بیش از ۷۵ میلیارد ریال تسهیلات بانکی قرض‌الحسنه به هنرمندان، نویسندگان و خبرنگاران در سراسر کشور پرداخت شده است». زهرا حق‌شعار، مشاور مدیرعامل صندوق اعتباری هنر، نیز با اشاره به نقش بی‌بدیل هنرمندان در توسعه فرهنگی کشور گفت: «سیاست و عملکرد ما در سفرهای حمایتی در جهت تقویت جایگاه اهالی فرهنگ، هنر و رسانه سراسر کشور، خصوصاً مناطق کم‌برخوردار است». مشاور مدیرعامل صندوق اعتباری هنر با اشاره به سفرهای حمایتی گذشته بیان کرد: «سفرهای حمایتی از نیمه دوم سال ۹۶ آغاز شد و ما در سفر به ۱۲ استان و ۸۰ شهرستان و مناطق روستایی و دیدار چهره‌به‌چهره با هنرمندان تلاش می‌کنیم روح هنرمندان گمنام بسیاری در این سفرها شناسایی و از خدمات صندوق برخوردار شدند».

انتشار غیرقانونی فیلم «همه می‌دانند»



● گروه هنر: متأسفانه نسخه‌ای از فیلم «همه می‌دانند» در فضای مجازی منتشر شده است. با توجه به آنکه هنوز فیلم در بسیاری از کشورها روی پرده نرفته و درحال‌حاضر نیز نمایش آن در بعضی از کشورها ادامه دارد، انتشار غیرقانونی این فیلم روند اکران آن را دچار آسیب خواهد کرد.

روابط‌عمومی فیلم «همه می‌دانند» در این زمینه درخواست کرده است: به همین خاطر انتشار و کپی این فیلم تا پیش از پایان اکران‌های سایر کشورها مورد رضایت تهیه‌کنندگان نیست، لازم به ذکر است موارد نقض کپی‌رایت مالکان اثر به صورت قانونی پیگیری خواهد شد.